

Document Type

Applied Research Article

پژوهش کاربردی

نوع مقاله

A Qualitative Analysis of the Consequences of Women's Behavioral Change from Passive Consumers to Active Agents in Water Consumption Management

E. Esmaeili Alavijeh¹, E. Salehi^{2*}, L. Zebardast³, R. Hakimzadeh⁴

1, 2, 3- Ph.D. Candidate in Environmental Planning, Professor and Associate Professor, Department of Environmental Planning, Management and HSE, Faculty of Environment, University of Tehran, Tehran, Iran. 4- Professor, Department of Educational Methods and Programs, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

* Corresponding, Author Email: tehranssaleh@ut.ac.ir

Received 11-11-2025

Revised 07-12-2025

Accepted 26-02-2026

Available online 15-06-2026

تحلیل کیفی پیامدهای تغییر رفتار زنان از مصرف کننده منفعل به کنشگر فعال در مدیریت مصرف آب

الهام اسماعیلی علویجه^۱، اسماعیل صالحی^{۲*}، لعبت زبردست^۳، رضوان حکیم زاده^۴

۱، ۲ و ۳- به ترتیب دانشجوی دکتری برنامه ریزی محیط زیست، استاد و دانشیار، گروه برنامه ریزی، مدیریت محیط زیست و HSE، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- استاد، گروه روش ها و برنامه های آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: tehranssaleh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ بازنگری ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۱۲/۰۷

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

Abstract

Given the water scarcity crisis and the influential role of women in shaping household and community consumption patterns, this study aimed to analyze the consequences of women's behavioral change, shifting from passive consumers to active agents in managing water consumption. The research employed the Grounded Theory approach. Data were collected through 20 in-depth, semi-structured interviews with experts in the fields of water and environmental studies, using purposive and snowball sampling within the framework of theoretical sampling. The consequences were extracted through open, axial, and selective coding, yielding 56 initial codes, 11 concepts, and three subcategories: (1) Empowering women to play an active role in society along the path of sustainable development, (2) Behavioral change and active participation of women for the realization of sustainable development, and (3) Sustainable management of water resources and responsible household consumption. Finally, by identifying the relationships among the categories, a theoretical model was developed. The findings show that the realization of sustainable development requires a shift in policy-making from a focus on physical and infrastructure-based solutions toward a socio-cultural approach based on the empowerment and agency of women. This shift creates the conditions for sustainable water resource management and consumption.

Keywords: Consequences of Behavioral Change, Women's Empowerment, Water Consumption Management, Grounded Theory.

چکیده

با توجه به بحران کم آبی و نقش اثرگذار زنان در شکل دهی الگوهای مصرف در سطح خانوار و جامعه، این پژوهش با هدف تحلیل پیامدهای تغییر رفتار زنان، از مصرف کننده منفعل به کنشگر فعال در مدیریت مصرف آب انجام شد. روش تحقیق نظریه داده بنیاد بود. داده ها از طریق ۲۰ مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با متخصصان حوزه آب و محیط زیست و با استفاده از نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی در چارچوب نمونه گیری نظری گردآوری شد. پیامدها از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی استخراج شدند که منجر به ۵۶ کد اولیه، ۱۱ مفهوم و ۳ مقوله فرعی شد: (۱) توانمندسازی زنان برای نقش آفرینی در اجتماع در مسیر توسعه پایدار، (۲) تغییر رفتار و مشارکت فعال زنان برای تحقق توسعه پایدار (۳) مدیریت پایدار منابع آبی و مصرف مسئولانه در واحد خانوار. در نهایت، با شناسایی روابط نهایی بین مقوله ها، یک مدل نظری تدوین شد. یافته ها نشان می دهد تحقق توسعه پایدار مستلزم تغییر مسیر سیاست گذاری از تمرکز بر راه حل های فیزیکی و سازه محور به سمت رویکردی اجتماعی-فرهنگی و مبتنی بر توانمندسازی و کنشگری زنان است. این تغییر، زمینه های لازم را برای مدیریت پایدار منابع آب و مصرف بهینه آن فراهم می کند.

واژه های کلیدی: پیامدهای تغییر رفتار، توانمندسازی زنان، مدیریت مصرف آب، نظریه داده بنیاد.

How to cite this article:

Esmaeili Alavijeh, E., Salehi, E., Zebardast, L. & Hakimzadeh, R. (2026). A Qualitative Analysis of the Consequences of Women's Behavioral Change from Passive Consumers to Active Agents in Water Consumption Management. Journal of Water and Sustainable Development, 13(1), 21-32. <https://doi.org/10.22067/jwsd.v13i1.2511-1468>

است. در این راستا، این کنفرانس را می‌توان یکی از نقاط ورود سیاستی برای زنان به حساب آورد. همچنین "بیانیه وزیران لاهه" که توسط دومین مجمع جهانی آب در سال ۲۰۰۰ صادر شد، نیز بر توانمندسازی زنان از طریق فرآیندهای مشارکت‌جویانه‌تر در مدیریت آب تأکید می‌کند (Eminel Sülün, ۲۰۱۸; World Water Council, ۲۰۰۰). زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، نقش محوری در دستیابی به توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست ایفا می‌کنند. این نقش در دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل به رسمیت شناخته شده و بر مشارکت کامل و مؤثر زنان در تمامی عرصه‌های توسعه تأکید شده است (United Nations, ۲۰۱۵).

با توجه به تأثیرپذیری ویژه زنان از پیامدهای کاهش منابع آبی، نقش آنان به عنوان محور توسعه و عامل کلیدی در موفقیت سیاست‌های آبی، در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. اگرچه در برنامه‌های توسعه ایران طی دهه‌های گذشته به صورت کلی به مشارکت زنان و نقش آن‌ها در فرآیند توسعه توجه شده، اما بررسی متن قوانین برنامه‌های اول تا ششم توسعه نشان می‌دهد که هیچ برنامه عملیاتی مشخصی برای بهره‌گیری از ظرفیت زنان در مدیریت پایدار منابع آب تدوین نشده است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸-۱۳۹۶). در چنین شرایطی، شناسایی و به کارگیری مداخلات تغییر رفتار، به عنوان یک راهکار عملی برای پرکردن این شکاف مطرح می‌شود. این مداخلات شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها هستند که با هدف تأثیرگذاری بر الگوهای رفتاری افراد برای دستیابی به نتایج خاص طراحی می‌شوند (Williamson و همکاران، ۲۰۲۰). این مداخلات به عنوان یک عنصر مرکزی در جستجوی آینده‌ای پایدار در نظر گرفته می‌شود و مشکلات چندبعدی جوامع را حل می‌کند، مشکلاتی که نیاز به تغییرات وسیع در رفتار انسان‌ها دارند، به ویژه در زمینه‌های مرتبط با منابع طبیعی مانند آب، فعالیت‌های اجتماعی، فیزیکی و عادات‌های دیرینه. رفتار فردی یک سیستم پیچیده و غیرخطی و پیش‌بینی‌ناپذیر است که در آن عوامل مختلفی در محیط زندگی دخالت دارند. پیچیدگی‌های جوامع لایه‌های متعددی دارند و نمی‌توان آن‌ها را با یک رویکرد واحد حل کرد، بلکه نیاز به مداخلات یکپارچه‌ای است که از دانش بومی در زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی، سنتی، مذهبی و منابع موجود در سطح جامعه بهره‌برداری کنند (Afzal و همکاران، ۲۰۲۳). از این رو، مداخلات تغییررفتار برای زنان می‌تواند پیامدهای مثبت و پایداری در مدیریت مصرف آب به همراه داشته باشد. بررسی پیامدهای حاصل از مطالعه نشان می‌دهد که نتایج مطالعه چه تأثیری بر جامعه، محیط، سیاست‌گذاری یا صنعت دارد. این مسئله به تصمیم‌گیران و مدیران کمک می‌کند نتایج را به عمل تبدیل کنند و شکاف‌های پژوهشی و پرسش‌های جدید را آشکار کنند، که می‌تواند مسیر تحقیقات آینده را روشن سازد.

آب، اساس بنیادین حیات و منبعی حیاتی برای تمامی انسان‌هاست. با این حال، این منبع طبیعی برای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به‌طور فزاینده‌ای به منبعی محدود و در حال زوال تبدیل شده است. تأمین آب کافی برای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع جمعیتی که به‌سرعت در حال افزایش است، به یکی از چالش‌های جدی و مهم در سال‌های اخیر بدل شده است. رشد سریع جمعیت و تغییرات اقلیمی، بحران جهانی آب را تشدید کرده‌اند. در حال حاضر، بیش از یک میلیارد نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و بیش از دو میلیارد نفر از خدمات بهداشتی اولیه محروم‌اند. این فشار روزافزون عمدتاً در مناطق در حال توسعه شدیدتر احساس می‌شود. سازمان ملل گزارش داده است که در طول قرن گذشته، مصرف جهانی آب با نرخ دو برابر رشد جمعیت افزایش یافته و این امر منجر به کمبود فیزیکی آب برای حدود ۱/۲ میلیارد نفر شده است، جایی که تقاضا از عرضه موجود فراتر می‌رود (UN-Water, ۲۰۰۷; Mishra و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به چالش‌های روزافزون در تأمین آب در سطوح مختلف، مدیریت کارآمد و پایدار این منبع حیاتی بیش از پیش اهمیت یافته است. با وجود آنکه میزان مصرف آب در شهرها نسبت به بخش کشاورزی کمتر است، اما هزینه‌های زیاد تصفیه، انتقال و توزیع آب شهری باعث می‌شود صرفه‌جویی در مصرف خانگی از نظر اقتصادی اهمیت زیادی داشته باشد (Nazarialamdarloo و همکاران، ۲۰۲۰).

در این میان، نقش زنان در مدیریت مصرف آب در سطح خانوار به‌عنوان حوزه‌ای اساسی و نیازمند توجه مطرح می‌شود. زنان نقشی محوری در تأمین نیازهای آبی خانواده ایفا می‌کنند و عمدتاً مسئول استفاده از آب در فضای خانه هستند. دانش و شیوه‌های رفتاری آنان، از عوامل کلیدی در مدیریت پایدار آب در سطح خانوار به‌شمار می‌رود. مشارکت فعال آنان به‌عنوان تصمیم‌گیران اصلی، برای بهبود بهره‌وری مصرف آب امری ضروری است (Ulya, ۲۰۱۹). دیدگاه نظری نیز اهمیت این موضوع را تقویت می‌کند. بر اساس مفهوم عاملیت در نظریه گیدنز (Giddens, ۱۹۸۴) زنان نه صرفاً در نقش مصرف‌کننده، بلکه به‌عنوان عاملان فعال، ایفای نقش می‌کنند و در ایجاد تغییرات رفتاری پایدار در سطح خانواده و جامعه نقش اساسی دارند. این رویکرد با اصول پذیرفته‌شده جهانی نیز هم‌راستا است. برای نمونه، یکی از چهار اصل کنفرانس بین‌المللی آب و محیط‌زیست در دویلین ۱۹۹۲ بر نقش اساسی زنان در تأمین، مدیریت و حفاظت از آب تأکید داشت؛ اصلی که به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد (Ray, ۲۰۰۷). در همین کنفرانس، سیاست‌های مثبتی نیز برای پاسخ به نیازهای خاص زنان پیشنهاد شد. این کنفرانس همچنین بر این نکته تأکید کرد که کلید کار، توانمندسازی زنان و تعیین سطح مشارکت آنان در برنامه‌های منابع آب

AlHaddid و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله‌ای به گشودن پایداری آب: نقش دانش، نگرش و عملکرد در میان زنان پرداختند. با به کارگیری از مدل دانش، نگرش و عملکرد، این تحقیق تأثیر دانش پایداری آب را بر سه نگرش پایداری آب (کاهش، استفاده مجدد، بازیافت) بر روی شیوه‌های آب پایدار در میان زنان در اردن بررسی کرد و نتایج نشان دادند که دانش پایداری آب نقشی محوری در ایجاد تأثیر مثبت در سه نگرش پایداری آب ایفا می‌کند. به همین ترتیب، هر سه نگرش پایداری آب تأثیر مثبتی بر هدایت شیوه‌های آب پایدار دارند. در مطالعه دیگری Haddout و همکاران (۲۰۲۴) به توانمندسازی زنان در مدیریت آب در سراسر آفریقا پرداختند. یافته‌های حاکی از آن است که زنان از طریق توانمندسازی، نوآوری و مشارکت، به عنوان کاتالیزورهای محوری برای تغییر در پیمایش چشم‌انداز پیچیده مدیریت آب در سراسر قاره ظاهر می‌شوند. در داخل کشور مطالعاتی از جمله چمنی و آذری (۱۴۰۲) به بررسی جایگاه زنان در مدیریت منابع آب با رویکرد تطبیقی به اسناد توسعه پایدار سازمان ملل پرداختند. یافته‌ها نشان داد که در برنامه‌های توسعه کشور، جایگاه و نقش زنان در مدیریت منابع آب چه به‌عنوان گروهی که بیشترین آسیب را از بحران آب می‌بینند و چه به‌عنوان سیاست‌گذاران بحران آب، یعنی طراحان سیاست‌های آبی که بدون حضور زنان نوشته می‌شوند، تا حد زیادی مغفول مانده است. بنابراین پیشنهاد شد که برنامه‌ریزان توسعه، در مدیریت منابع آب، به توانمندسازی و مشارکت فعال زنان توجه ویژه‌ای داشته باشند. امیری باغیادانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به مطالعه میزان آگاهی زنان از مفاهیم مدیریت منابع آب و نگرش و عملکرد ایشان برای اصلاح الگوی مصرف آب (زنان ۲۰ تا ۶۵ ساله زرین‌شهر، لنجان) پرداخته است. نتایج نشان داد که زنان از منابع آب ایران و مفهوم سرانه مصرف آگاهی خوبی دارند، اما دانش آن‌ها درباره آب مجازی، بازچرخانی آب و تصفیه فاضلاب محدود است. همچنین، شناخت و نگرش آن‌ها نسبت به پساب، ارزش آب‌های بازیافتی و مدیریت تقاضا ضعیف است. مرزبان و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی میزان آگاهی از پیامدهای مصرف آب در زنان شهر یزد پرداختند. نتایج نشان داد آگاهی زنان درباره پیامدهای مصرف آب، پایین است و برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی توسط سازمان‌های مربوطه پیشنهاد دادند. نیکخواه و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در مدیریت مصرف آب در شهرستان میناب پرداختند. نتایج نشان داد که حمایت سازمانی، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و میزان درآمد، متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی هستند. حمایت سازمان‌ها مانند شورا و دهیاری نقش مثبت دارد، در حالی که ارزش‌ها و هنجارهای سنتی مانع مشارکت زنان محسوب می‌شوند. حاجی‌زاده میمند و بهارلویی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با مصرف آب (مورد مطالعه: زنان شهر اصفهان) پرداختند. مصرف آب زنان با سرمایه فرهنگی، دینداری، نگرش به مصرف

آب و سبک زندگی‌های مختلف (اجتماعی، سلامت‌محور، مثبت‌اندیش، هدفمند و طبیعت‌دوست) رابطه معناداری دارد. حاجی‌زاده میمند و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به مطالعه کیفی مصرف آب در نگاه زنان شهر اصفهان پرداختند. نتایج نشان داد پدیده محوری مصرف آب تحت تأثیر شرایط علی (مخاطرات طبیعی و محیطی)، شرایط زمینه‌ای (دغدغه‌های روانی و اجتماعی)، شرایط مداخله‌گر (فناوری و حکمرانی)، راهبردها (آگاهی، آموزش و صرفه‌جویی)، پیامدها (احساس گناه، درک خطر و مسئولیت‌پذیری) فرهنگ و زیرساخت‌ها قرار دارد. از آنجا که در مطالعات پیشین عمدتاً به نقش دانش، نگرش و عملکرد زنان و عوامل مؤثر بر مشارکت و عوامل اجتماعی مرتبط با مصرف آب پرداخته شده و پیامدهای تغییر رفتار زنان از مصرف‌کننده منفعل به کنشگر فعال در مدیریت مصرف آب بررسی نشده است، این پژوهش قصد دارد پیامدها را از دیدگاه متخصصان آب و محیط‌زیست با استفاده از نظریه داده‌بنیاد^۲ مطالعه نماید تا به غنای ادبیات موجود و پرکردن شکاف‌های پژوهشی کمک کند. در نتیجه پیامدهای تغییر رفتار زنان (خانه‌دار) در مدیریت مصرف آب زمانی معنا می‌یابد که زمینه‌ها و پیش نیازهای آن به طور کامل فراهم شود. حال در صورت فراهم بودن تمام زمینه‌ها و شرایط، سوال اصلی پژوهش حاضر این است: پیامدهای تغییر رفتار زنان از مصرف‌کننده منفعل به کنشگر فعال در مدیریت مصرف آب از دیدگاه متخصصان آب و محیط‌زیست کدامند؟

مبانی نظری

پژوهش حاضر بر پایه‌ی تلفیقی از پنج چارچوب نظری کلیدی استوار است: نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده^۳، نظریه کنش منطقی^۴، نظریه یادگیری اجتماعی^۵ (یادگیری مشاهده‌ای)، نظریه توانمندسازی^۶ و نظریه سرمایه اجتماعی^۷. هر یک از این نظریه‌ها از زاویه‌ای خاص به تبیین فرآیند تغییر رفتار، نقش زنان، و پیامدهای اجتماعی و روانی ناشی از آن کمک می‌کنند. بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده (Ajzen, ۱۹۹۱) رفتار انسان متأثر از نگرش فرد نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک‌شده^۸ است.

نظریه کنش منطقی (Fishbein و Ajzen, ۱۹۷۵) بر این اصل استوار است که نگرش فرد نسبت به یک رفتار و هنجارهای ذهنی وی، قصد رفتاری او را شکل می‌دهند. قصد رفتاری، به معنای میزان تمایل و برنامه‌ریزی آگاهانه فرد برای انجام یک رفتار خاص، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رفتار واقعی محسوب می‌شود. نظریه یادگیری اجتماعی با تأکید بر سازوکار یادگیری مشاهده‌ای (Bandura, ۱۹۷۷)، چگونگی نهادینه‌سازی رفتارهای جدید را در خانواده ارائه می‌دهد. نظریه توانمندسازی (Zimmerman و Rappaport, ۱۹۸۸) توضیح می‌دهد که چگونه افراد از احساس ناتوانی و بی‌قدرتی به احساس کنترل، شایستگی و اثربخشی اجتماعی می‌رسند و نظریه سرمایه اجتماعی (Putnam, ۲۰۰۰؛ Coleman, ۱۹۸۸؛ Ostrom,

۱۹۹۰) بر اهمیت اعتماد، همکاری و روابط اجتماعی در تسهیل کنش جمعی و مدیریت منابع مشترک تأکید دارد. سرمایه اجتماعی به عنوان بستر تعاملات اجتماعی، به شکل گیری همکاری و رفتارهای مسئولانه در سطح جامعه منجر می شود.

مواد و روش ها

این پژوهش با هدف تحلیل پیامدهای تغییر رفتار زنان از مصرف کننده منفعل به کنشگر فعال در مدیریت مصرف آب انجام شد. سوال محوری آن، شناسایی این پیامدها از دیدگاه متخصصان آب و محیط زیست بود. برای دستیابی به این هدف، از روش نظریه داده بنیاد و با رویکرد [استراوس و کوربین^۹ \(۱۹۹۰\)](#) به عنوان چارچوب روش شناختی بهره گرفته شد. نظریه داده بنیاد نخستین بار توسط جامعه شناسان بارنی گلیزر و آنسلم استراوس در کتاب «کشف نظریه داده بنیاد» ارائه شد ([Strauss و Glaser, ۱۹۶۷](#)) که روشی نظام مند و کیفی برای تولید نظریه از دل داده ها است. در این روش، تحلیل همزمان با جمع آوری داده ها انجام می شود و پژوهشگر از طریق مقایسه ی مداوم داده ها، کدگذاری مرحله ای (باز، محوری و انتخابی)، نمونه گیری نظری^{۱۰} و رسیدن به اشباع نظری^{۱۱}، مفاهیم و مقوله های نظری را شناسایی و روابط میان آن ها را تبیین می کند ([Corbin و Strauss, ۱۹۹۰](#)). انتخاب این روش به دلیل لزوم کشف ابعاد پنهان پدیده صورت پذیرفت.

این مطالعه توسط کمیته اخلاق در پژوهش دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران تأیید شد. کد اخلاق این مطالعه IR.UT.PSYEDU.REC.1405.013 است. پیش از آغاز مصاحبه ها، هدف مطالعه و حق انصراف در هر مرحله به مشارکت کنندگان توضیح داده شد. همه آنان پیش از حضور در مصاحبه رضایت شفاهی خود را اعلام کردند. همچنین اطمینان داده شد که اطلاعات شخصی با استفاده از کدگذاری ناشناس شده، محرمانه باقی خواهد ماند و تنها در اختیار پژوهشگر قرار می گیرد. فرآیند انتخاب مشارکت کنندگان در دو مرحله و در چارچوب نمونه گیری نظری انجام شد. در مرحله اول، با استفاده از نمونه گیری هدفمند^{۱۲}، یک گروه اولیه از متخصصان کلیدی (استادان، مدیران و کارشناسان) در حوزه آب و محیط زیست انتخاب شدند. این افراد از دانشگاه های تراز اول و سازمان های تخصصی واقع در شهرهای کرج و تهران بودند. معیارهای انتخاب در این مرحله، داشتن تخصص مرتبط، مقالات علمی و تجربه در حوزه مدیریت آب بود. در مرحله دوم و همزمان با تحلیل داده ها، از نمونه گیری

گلوله برفی^{۱۳} برای شناسایی مشارکت کنندگان جدید استفاده شد. در این مرحله، از شرکت کنندگان خواسته می شد افرادی را معرفی کنند که می توانستند ابعاد یا دیدگاه های مکمل و جدیدی را به مباحث اضافه کنند. این فرآیند تا رسیدن به اشباع نظری در مقوله های اصلی ادامه یافت. مشارکت کنندگان دارای تخصص میان رشته ای در حوزه هایی مانند برنامه ریزی محیط زیست، آموزش محیط زیست، جامعه شناسی محیط زیست، مهندسی منابع طبیعی و آب، اقتصاد آب، برنامه ریزی شهری و روستایی و علوم محیط زیست بودند. افزون بر یادداشت برداری، مصاحبه ها با رضایت افراد ضبط صوتی گردید و هر جلسه بین ۴۰ تا ۷۵ دقیقه به طول انجامید. بین مهر ۱۴۰۲ تا تیر ۱۴۰۳، ۲۰ مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق با ۷ شرکت کننده زن و ۱۳ مرد انجام شد. ۱۷ مصاحبه به صورت حضوری و ۳ مورد آخر برای تأیید یافته ها به صورت تلفنی صورت گرفت. بعد از مصاحبه با نفر هفدهم اشباع نظری حاصل شد.

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش و رویکرد نظریه پردازی مبتنی بر داده ها، هدف این مطالعه تعمیم آماری نتایج به جمعیت های بزرگ، از جمله کل زنان، نمی باشد. اعتبار یافته ها از طریق کیفیت تحلیل داده ها و دستیابی به اشباع نظری تأمین می شود. از میان ۲۰ مشارکت کننده، ۷ نفر زن بودند، این نسبت تابع نمونه گیری نظری و گلوله برفی است و بر کیفیت تحلیل داده ها تأثیری ندارد. بنابراین، نتایج مطالعه صرفاً بازتاب دهنده دیدگاه های متخصصان حوزه است.

فرآیند گردآوری و تحلیل داده ها به صورت همزمان و مبتنی بر مقایسه مداوم انجام شد. پس از هر مصاحبه، داده های حاصل بلافاصله تحلیل شدند و یافته ها، طراحی مصاحبه های بعدی را از جمله تعیین محورهای پرسش، نحوه طرح پرسش ها و انتخاب شرکت کنندگان هدایت کردند. این رویکرد چرخه ای امکان اصلاح تدریجی ابزارها و افزایش غنای داده ها را فراهم ساخت. فرایند تحلیلی بر پایه الگوی سه مرحله ای [Strauss و Corbin \(۱۹۹۰\)](#) انجام شد: در مرحله کدگذاری باز^{۱۴}، مفاهیم اولیه استخراج شدند؛ در کدگذاری محوری^{۱۵}، روابط میان این مفاهیم تحلیل شد؛ و در کدگذاری انتخابی^{۱۶}، چارچوبی نظری و یکپارچه شکل گرفت. تحلیل داده ها با نرم افزار MAXQDA^{۱۷} صورت پذیرفت. به منظور ارزیابی دقت و اعتبار^{۱۸} یافته ها معیارهای [Guba و Lincoln \(۱۹۸۵\)](#) همچون بازبینی توسط مشارکت کنندگان، بازبینی توسط استادان، ثبت و ضبط کامل فرایند تحقیق مورد توجه قرار گرفت. از مصاحبه شوندگان خواسته شد تا دقت تفاسیر ارائه شده از پاسخ هایشان را ارزیابی کنند.

جدول ۱ – مقوله‌ها، مفاهیم و کدهای باز شناسایی شده مرتبط با پیامدها

مقوله‌های فرعی	مفاهیم ، کدهای باز و نمونه نقل قول‌ها
	مفهوم: توانمندسازی زنان و نقش اجتماعی آن‌ها کدهای باز: احساس توانمندی و اثرگذاری اجتماعی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارتقا نقش اجتماعی و اقتصادی، تقویت جایگاه زنان در مدیریت منابع طبیعی، تغییرات در نگرش و باور زنان نسبت به قدرت و توانایی‌های خود، رها شدن از احساس بی‌قدرتی و بی‌عملی، حفظ ارزش زن در خانواده، ایجاد حس مشارکت در دیگران، ایجاد حس خوب در زنان، توانمندسازی زنان نمونه نقل قول: زنان احساس می‌کنند که برای این جامعه و در اتخاذ تصمیمات، افراد مؤثری هستند
توانمندسازی زنان برای نقش‌آفرینی در اجتماع در مسیر توسعه پایدار (فراوانی: ۴۲)	مفهوم: نقش محوری زنان در خانواده و نسل‌های آینده برای توسعه پایدار کدهای باز: تأثیرگذار و الگویی برای خانواده، جهت‌دهی سیاست‌های داخلی خانه، نقش اقتصادی زنان در خانواده، نقش محوری زنان در مدیریت خانوار، اهرم‌شدن برای جریان‌سازی و نهادسازی مباحث محیط‌زیستی در خانواده، اهمیت نقش زنان در سرمایه اجتماعی، نقش کلیدی و اثرگذار در تغییر رفتار، باور درست در سال‌های آتی، سرمایه‌گذاری روی زنان و چون رود جاری شدن در نسل‌های آتی نمونه نقل قول: اهرمی برای جریان‌سازی و نهادسازی مباحث محیط‌زیست در خانواده‌های خود شوند
	مفهوم: تغییرات فرهنگی زنان و تأثیر بلندمدت بر نسل‌های آینده و جامعه کدهای باز: نقش و تأثیر تغییر رفتار زنان در تربیت فرزندان و نسل‌های آینده، تأثیر مثبت فرهنگ‌سازی در بلندمدت، ترویج الگوهای رفتاری مثبت، تغییر در خانواده‌ها، انتقال دانش و نهادینه شدن رفتار صحیح در سطح خانواده. نمونه نقل قول: این تغییر رفتار در زنان می‌تواند اثربخشی بسیار بالایی داشته باشد، زیرا زنان تربیت‌کننده نسل‌های آتی هستند
	مفهوم: زنان و توسعه پایدار کدهای باز: نقش و اهمیت زنان در رسیدن به توسعه پایدار در خور، نقش زنان در تحول جامعه، نقش زنان در ترویج بازچرخانی پساب خانگی نمونه نقل قول: اگر نسل‌های بعدی ما نیز نسل‌هایی تربیت‌شده باشند، آنگاه می‌توانیم به توسعه پایدار دست یابیم
	مفهوم: تغییر رفتار و اصلاح الگوهای رفتاری کدهای باز: اصلاح تغییر الگوی رفتار در نسل‌های آینده، تغییرات در مقیاس بزرگ در گذر زمان نمونه نقل قول: با تغییر الگوی رفتار، اتفاق خوبی رخ می‌دهد و اصلاح تغییر رفتار انجام می‌شود
تغییر رفتار و مشارکت فعال زنان برای تحقق توسعه پایدار (فراوانی: ۱۴)	مفهوم: مشارکت فعال و نقش زنان در توسعه کدهای باز: افزایش مشارکت فعال زنان در مسائل محیط‌زیست، زنان آگاه و مسئول نیرو محرکه‌ای برای مشارکت، مشارکت عاملی برای توسعه، چرخش از مشارکت نمادین به مشارکت درونی و رفتاری نمونه نقل قول: زنی که خود را مسئول می‌داند، خنمی که آگاه شده یا انگیزه و هیجان دارد که در این حوزه فعالیت کند، همان نیروی فعال مشارکت است
	مفهوم: توسعه اجتماعی و فرهنگی کدهای باز: شکل‌گیری رفتارهای خانوادگی و اجتماعی، وجود احساس مشارکت اجتماعی در شهر، ایجاد همبستگی و تقویت روابط خانوادگی، تغییرات مثبت فرهنگی، تغییرات در جامعه زنان، اثرگذاری مداخلات بر مشارکت و رفتار زنان نمونه نقل قول: تغییرات مثبت فرهنگی در جامعه، از جمله اثرات این تغییر رفتار است
	مفهوم: مدیریت پایدار و مسئولانه مصرف آب کدهای باز: کاهش مصرف آب، کاهش فشار بر منابع آبی، کاهش هزینه‌های آب و انرژی، تغییر الگوی مصرف آب، نهادینه‌سازی فرهنگ مدیریت مصرف آب، شکل‌گیری عادت روزمره، برنامه تغییر رفتار مسئولانه نمونه نقل قول: در ژاپن برای هر مسئله‌ای یک فرهنگ تعریف شده وجود دارد؛ برای مثال، هر فرد دارای فرهنگ ایمنی است و می‌داند در هنگام زلزله چه کاری باید انجام دهد، در سیل چگونه رفتار کند و چگونه مصرف آب را مدیریت نماید. این امر باید به بخشی از فرهنگ ما نیز تبدیل شود
مدیریت پایدار منابع آبی و مصرف مسئولانه در واحد خانوار (فراوانی: ۲۱)	مفهوم: بهبود کیفیت زندگی و محیط‌زیست کدهای باز: بهبود کیفیت زندگی، کاهش تصفیه آب، کاهش آلودگی آب، حفظ آب، تنوع زیستی و محیط‌زیست در نسل‌های آینده، منفعت برای جامعه نمونه نقل قول: نیاز به تصفیه آب را کاهش می‌دهد
	مفهوم: پایداری و امنیت منابع آب کدهای باز: تقویت امنیت آبی، کمک به مدیریت مصرف پایدار در سطح کلان، حفظ ارزش آب نمونه نقل قول: حفظ ارزش آب مهم‌ترین پیامدی است که حاصل می‌شود
	مفهوم: رشد صنعت پایدار و کارآفرینی محیط‌زیستی کدهای باز: جهت‌دهی صنعت کشور به تولید محصولات با ارزش، اشتغال دانش‌آموختگان محیط‌زیست برای کمک به زنان خانه‌دار نمونه نقل قول: این‌که نظام صنعتی یک کشور نیز به سمت تولید محصولات ارزشمند حرکت کند، خود یک پیامد به شمار می‌آید

نتایج

در این مطالعه برای پاسخ به سوال پژوهش از نظریه داده‌بنیاد با رویکرد استراوس و کوربین استفاده شد. این مطالعه بخشی از نتایج پژوهشی جامع‌تر است و صرفاً به پیامدها، برآیندها یا نتایج کنش یا تعامل (Corbin & Strauss, ۱۹۹۸) می‌پردازد. در تحلیل داده‌ها، پیامدها با ۵۶ کد باز، ۱۱ مفهوم^{۱۹} و ۳ مقوله

اکثر شرکت‌کنندگان یافته‌ها را تأیید کردند و برخی نیز اصلاحات سازنده‌ای ارائه دادند. این پیشنهادها در قالب یک فرایند بازبینی تدریجی لحاظ شدند تا بازنمایی دقیقی از دیدگاه آنان حاصل شود. افزون بر این، پژوهشگر در دو نوبت مجزا فرایند کدگذاری را انجام داد؛ این راهبرد به کاهش خطاهای احتمالی و تقویت دقت و قابلیت اعتماد تحلیل کمک کرد.

فرعی^۴ در مرحله کدگذاری باز و محوری استخراج شدند (جدول ۱).

همانطور که در جدول (۱) قابل مشاهده است طبق نظر متخصصان آب و محیط زیست مهمترین پیامدهای تغییر رفتار زنان از مصرف کننده منفعل به کنشگر فعال در مدیریت مصرف آب عبارتند از توانمندسازی زنان برای نقش آفرینی در اجتماع در مسیر توسعه پایدار، تغییر رفتار (گذار از رفتار منفعل) و مشارکت فعال زنان برای تحقق توسعه پایدار و مدیریت پایدار منابع آبی و مصرف مسئولانه در واحد خانوار که در زیر هر یک شرح داده شده است.

۱- توانمندسازی زنان برای نقش آفرینی در اجتماع در مسیر توسعه پایدار

این مقوله به توانمندسازی زنان و نقش اجتماعی آنها، نقش محوری زنان در خانواده و نسل های آینده برای توسعه پایدار، تغییرات فرهنگی زنان و تأثیر بلندمدت بر نسل های آینده و جامعه و در نهایت زنان و توسعه پایدار اشاره دارد. یافته های این مطالعه نشان می دهد که توانمندسازی زنان در حوزه های مختلف از خانواده و اقتصاد تا اجتماع و فرهنگ راتر از ایجاد امکانات اولیه است و هدف آن فراهم کردن شرایطی است که زنان بتوانند به عنوان کنشگران فعال و تأثیرگذار، رفتارهای پایدار در زمینه مدیریت مصرف آب را در سطح خانواده و جامعه نهادینه کنند. زنان، چه در نقش مادر، همسر، مدیر مصرف خانوار یا انتقال دهنده فرهنگ، نقشی محوری در شکل گیری و تداوم رفتارهای پایدار ایفا می کنند؛ نقشی که اثرات آن نسل های بعدی را نیز در برمی گیرد. مشارکت کننده اول این طور بیان می کند: "تغییر رفتار در زنان رخ دهد، رفتار آنها در ذهن فرزندان به عنوان یک الگو شکل می گیرد و تأثیرگذار است و در نتیجه آینده بهتری خواهیم داشت"، "یک زن، چه مادر باشد و چه همسر، مهمترین و تأثیرگذارترین فرد در خانواده است و بر نسل خود و فرزندان و دیگر اعضای خانواده تأثیر قابل توجهی می گذارد."

تحلیل پیامدها نشان می دهد که توانمندسازی زنان در مدیریت مصرف آب، نه تنها تجربه فردی آنها را تغییر می دهد، بلکه اثرات گسترده ای بر خانواده و جامعه به دنبال دارد. وقتی زنان احساس توانمندی و اثرگذاری اجتماعی پیدا می کنند، این حس خودکارآمدی باعث می شود مشارکت فعال تری در تصمیم گیری ها و مدیریت منابع طبیعی داشته باشند. به دنبال این مشارکت، جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان ارتقا یافته و مسئولیت پذیری اجتماعی در سطح خانواده و جامعه تقویت می شود. همچنین، تغییر نگرش زنان نسبت به توانایی ها و ارزش خود باعث رهایی آنها از احساس بی قدرتی و ناتوانی می شود، و این به نوبه خود باعث می شود که رفتارهای پایدار در مصرف آب نهادینه گردد. به بیان دیگر، توانمندسازی زنان علت ایجاد حس مشارکت، ارتقای جایگاه اجتماعی و تغییر رفتار پایدار است و پیامد آن، بهبود مدیریت منابع آب است. به ترتیب مشارکت کنندگان نهم، دوازدهم و چهاردهم این طور بیان می کنند: "زنان احساس می کنند که

برای این جامعه و در اتخاذ تصمیمات، افراد مؤثری هستند"، "حفظ ارزش زن به عنوان یک عنصر یا یک بخش کلیدی در یک خانواده به نظر من خود یک پیامد مهم است"، "این می تواند حس مثبتی در خانواده، به ویژه در زنان خانواده ایجاد کند. من که در خانه هستم، می توانم ببینم کارم چه میزان تأثیری بر جامعه دارد". اما مهمترین تغییر را مشارکت کننده هفدهم چنین توصیف می کند: "مهمترین تغییر در خود زنان رخ می دهد؛ جامعه زنان به این باور می رسد که بی قدرتی نیست و این، مهمترین دستاورد است" و در ادامه می افزاید: "پنجاه درصد جامعه ما از احساس بی قدرتی و ناتوانی رهایی پیدا می کند".

"تقویت جایگاه زنان در مدیریت منابع" (مشارکت کننده بیستم)، "ایجاد حس مشارکت در دیگران" و "تولید حس خوب و خودکارآمدی در خود زنان" (مشارکت کننده شانزدهم)، نقش تعیین کننده ای در تداوم رفتارهای پایدار دارند؛ جایگاه اجتماعی زنان باعث اثرگذاری فردی و جمعی می شود، رفتارهای الگوسازانه آنها دیگران را به مشارکت و می دارد و حس مثبت در خودشان انگیزه ادامه مشارکت و نهادینه شدن رفتارهای مسئولانه را فراهم می کند. این فرایند نشان می دهد که تغییر رفتار زنان، حتی بدون ابزار، فناوری یا سیاست های رسمی، می تواند فرهنگ مصرف پایدار و مشارکت جمعی را در خانواده و جامعه شکل دهد و تثبیت کند.

زنان به عنوان مصرف کنندگان اصلی منابع، نقش کلیدی و اثرگذاری در تغییر رفتارهای خانوادگی و اجتماعی دارند. آموزش و آگاه سازی زنان در زمینه مدیریت مصرف آب، تأثیر چندلایه و بلندمدتی بر جامعه به دنبال دارد؛ چرا که زنان، به واسطه جایگاه اجتماعی و نقش های خانوادگی خود، می توانند به اهرمی برای جریان سازی و نهادسازی مباحث محیط زیستی، به ویژه مدیریت آب، تبدیل شوند. توانمندسازی زنان در این حوزه موجب شکل گیری سرمایه اجتماعی می شود و الگوهای مصرف منابع، به ویژه آب، را تحت تأثیر قرار می دهد. این تغییرات رفتاری در سطح خانوار می تواند اقتصاد خانواده را به سمت بهره وری و پایداری هدایت کند و به تدریج اثرات مثبت آن در جامعه گسترده شود. مشارکت کنندگان پانزدهم و هجدهم بیان می کنند: "اگر بخواهید این کار را انجام دهید، قطعاً باید از مادران شروع کنید، زیرا نقش آنها کلیدی است. بدون شک، اگر یک مادر آموزش ببیند که چگونه از منابع آب استفاده کند، فرزندان تربیت خواهد کرد که این موضوع را به طور طبیعی مدنظر قرار می دهند"، "اهرمی برای جریان سازی و نهادسازی مباحث محیط زیست در خانواده های خود شوند".

بنابراین، توانمندسازی زنان برای نقش آفرینی در جامعه نه تنها یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است، بلکه عاملی تعیین کننده برای تغییر نسل ها و بازتعریف فرهنگ مصرف به سوی توسعه پایدار محسوب می شود. زنان با ایفای نقش چندبعدی خود (تربیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) می توانند به صورت بنیادین مسیر حرکت جامعه به سوی

توسعه پایدار را هموار کنند و اثرات بلندمدتی بر رفتار و نگرش نسل‌های آینده داشته باشند. مشارکت‌کننده نهم بیان نمود: "نقش زنان در رسیدن به یک توسعه پایدار درخور، هموار و متوازن همواره یک نقش مهم، موثر و اجتناب‌ناپذیر است".

۲- تغییر رفتار و مشارکت فعال زنان برای تحقق توسعه پایدار

این مقوله به تغییر رفتار و اصلاح الگوهای رفتاری، توسعه اجتماعی و فرهنگی و مشارکت فعال و نقش زنان در توسعه اشاره دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد مشارکت و تغییر رفتار زنان در مدیریت مصرف آب، نقطه آغاز تحول در خود جامعه زنان است و این تغییر در نهایت به ایجاد رفتارهای مصرفی پایدار و توسعه اجتماعی و فرهنگی در سطح خانواده، جامعه و صنعت منجر می‌شود؛ به عبارت دیگر، تغییر رفتار زنان نه تنها رفتارهای مصرفی را اصلاح می‌کند، بلکه منشأ تغییرات فرهنگی مثبت در جامعه نیز می‌شود. مشارکت‌کنندگان هفدهم و بیستم بیان می‌کنند: "اولین تغییر در خود جامعه زنان رخ می‌دهد،" "تغییرات مثبت فرهنگی در جامعه، از جمله اثرات این تغییر رفتار است".

تغییر رفتار زنان در مصرف آب می‌تواند به اصلاح الگوهای رفتاری در مصرف منجر شده و تأثیری بلندمدت بر نسل‌های آینده بگذارد. تغییرات رفتاری در مقیاس بزرگ و در گذر زمان امکان‌پذیر است. همانطور که مشارکت‌کننده هفتم و هفدهم اشاره می‌کنند: "با تغییر الگوی رفتار اتفاق خوبی می‌افتد اصلاح تغییر رفتار انجام می‌شود"، "تغییرات کلان زمان می‌برد ابتدا متوجه تغییرات کوچک ناحیه‌ای می‌شویم و سپس در مقیاس ملی رخ می‌دهند".

تغییر رفتار زنان در مصرف آب فراتر از اصلاح الگوهای فردی، به بازآفرینی رفتارهای خانوادگی و اجتماعی منجر می‌شود و با ایجاد همبستگی و تقویت روابط خانوادگی، زمینه شکل‌گیری الگوهای پایدار مصرف در خانواده‌ها را فراهم می‌آورد. همان‌طور که مشارکت‌کننده شانزدهم بیان می‌کند: "خانواده دور هم نشسته‌اند و مادر می‌گوید: «این ماه بیایم برنده شویم». فرزندان نیز بسیار درگیر فعالیت هستند. این تجربه یک دستاورد است، زیرا با افزایش دوره‌های خانوادگی، خانواده می‌تواند درباره موضوعی مهم مانند مدیریت مصرف آب گفت‌وگو کند و در نتیجه روابط خانوادگی مستحکم‌تر شود". این تعاملات نشان‌دهنده پیوند میان رفتار فردی و تصمیم‌گیری جمعی در سطح خانوار است. تغییر رفتار زنان نه تنها به اصلاح مصرف آب در سطح خانوار منجر می‌شود، بلکه مشارکت اجتماعی در شهر را نیز به دنبال دارد، "شهروندان احساس می‌کنند که مشارکت اجتماعی وجود دارد؛ موضوعی که در سال‌های اخیر کم‌رنگ شده است" (مصاحبه شانزدهم). زنان آگاه و مسئول، با انگیزه و هیجان برای مشارکت در مدیریت مصرف آب، فراتر از نقش مصرف‌کننده، به نیروی محرک تغییرات رفتاری و اجتماعی تبدیل می‌شوند؛ آن‌ها با بازتولید رفتارهای پایدار در خانواده و ایجاد الگوهای مشارکت درونی، زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی گسترده و نهادینه‌شدن

الگوهای پایدار در جامعه و صنعت می‌شوند. این فرآیند نشان می‌دهد که تحول از رفتار فردی به ساختار اجتماعی و توسعه پایدار، پیوندی ارگانیک دارد و مشارکت زنان، به عنوان نقطه شروع، محرک کلیدی این زنجیره اثرگذاری است. در این راستا مشارکت‌کننده دهم اشاره می‌کند: "زنی که خود را مسئول می‌داند، آگاه شده و انگیزه و هیجان دارد که در این زمینه فعالیت کند، همان نیروی فعال مشارکت است".

زن خانه‌دار، با قدرت الگوبرداری و تأثیرگذاری بر اعضای خانواده، نقش پیش‌ران تغییر رفتارهای خانوادگی و فرهنگی را ایفا می‌کند؛ او می‌تواند رفتارهای پایدار را نهادینه کند، فرزندان و سایر اعضای خانواده را به پذیرش یا تمکین نسبت به این الگو هدایت کند و بدین ترتیب، رفتار فردی در سطح خانوار محرک تغییرات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر شود. "قدرت زن خانه‌دار در خانواده بسیار زیاد است. وقتی او یک شیوه رفتاری را پیش بگیرد، دیگر اعضا از آن پیروی می‌کنند. فرزندان یا از مادر تبعیت می‌کنند یا به دلیل منافع خود، رفتارهای مادرانه را می‌پذیرند به عبارت دیگر، آن‌ها یا باور پیدا می‌کنند به رفتارهای مادرانه، یا تمکین می‌کنند" (مصاحبه هفدهم).

مشارکت واقعی زنان در مدیریت مصرف آب محدود به فعالیت‌های فیزیکی یا حضور در مکان‌های عمومی نیست؛ بلکه بخش مهم آن در رفتار فردی در خانه، محل کار و محیط‌های روزمره نمود پیدا می‌کند. این اقدامات شخصی، هرچند کوچک به نظر برسند، می‌توانند اثرگذاری جمعی و فرهنگی ایجاد کرده و پایه‌ای برای نهادینه شدن فرهنگ مصرف مسئولانه و مدیریت پایدار منابع آب در سطح خانوار و جامعه باشند. "این مشارکت الزاماً مشارکت فیزیکی نیست. بخشی از آن می‌تواند عملی باشد، مانند توجه به فراخوان‌ها و مشارکت در پاک‌سازی محیط. با این حال، اصل موضوع در رفتار فردی است؛ به عنوان مثال، صرفه‌جویی در مصرف آب در خانه، محیط کار یا هر مکان دیگری" (مصاحبه دهم).

۳- مدیریت پایدار منابع آبی و مصرف مسئولانه در واحد خانوار

این مقوله به مدیریت پایدار و مسئولانه مصرف آب، بهبود کیفیت زندگی و محیط‌زیست، پایداری و امنیت منابع آب و رشد صنعت پایدار و کارآفرینی محیط‌زیستی اشاره دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان مصرف مسئولانه را مهم‌ترین عامل در پایداری منابع آب می‌دانند. توانمندسازی، مشارکت و تغییر رفتار پایدار زنان، می‌تواند اثرات زنجیره‌ای و سیستماتیک بر منابع آب ایجاد کند به طوری که "مصرف، هزینه‌ها، انرژی، فشار بر منابع آبی، بحران آب، آلودگی آب و تصفیه پرهزینه همزمان کاهش می‌یابد" (مشارکت‌کننده بیستم). زنان با "تغییر الگوی مصرف و شکل‌گیری عادت روزمره" (مشارکت‌کننده دوازدهم و هجدهم) الگوی رفتار صرفه‌جویانه را در خانواده و جوامع ایجاد می‌کنند. وقتی زنان رفتارهای صرفه‌جویانه در مصرف آب را نهادینه می‌کنند، خانواده حتی بدون تجهیزات صرفه‌جویانه، کاهش معنادار

مدل نظری

کدگذاری انتخابی به عنوان مرحله نهایی فرآیند کدگذاری، در سطحی انتزاعی‌تر و تکمیلی نسبت به کدگذاری محوری عمل می‌کند. در این مرحله، چگونگی شکل‌گیری مقولات و روابط بین آن‌ها با سایر مفاهیم به شکلی نظام‌مند تبیین می‌شود. پژوهشگر در این گام با ایفای نقش مؤلف و تحلیل‌گر، و با بهره‌گیری از مقولات شناسایی‌شده، یادداشت‌های تحلیلی، داده‌های کدگذاری شده و ترسیم دیاگرام‌های مفهومی، به ساماندهی نظام‌مند مفاهیم می‌پردازد. هدف نهایی این فرآیند، تدوین چارچوب نظری منسجم و یکپارچه‌ای است که به توانمندسازی مبنای شکل‌گیری نظریه قرار گیرد (Jones و Noble، ۲۰۰۷). در نهایت، با شناسایی روابط نهایی بین مقولات استخراج شده از کدگذاری محوری مدل نظری پژوهش تکمیل می‌شود (شکل ۱).

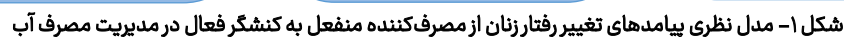
مدل حاضر (شکل ۱) نشان می‌دهد که چگونه توانمندسازی زنان به عنوان یک ورودی کلیدی، از طریق یک فرآیند میانی متشکل از تغییر رفتار و مشارکت فعال، به دو خروجی ملموس و حیاتی برای جامعه منجر می‌شود: مدیریت پایدار منابع آبی و مصرف مسئولانه در واحد خانوار. این مدل یک چارچوب علی از نقش محوری زنان در تحقق اهداف توسعه پایدار ارائه می‌کند. در این مدل توانمندسازی زنان (ورودی) تنها به معنای آموزش نیست، بلکه یک دگرگونی عمیق فردی و اجتماعی است که ابعاد چون توانمندسازی روان‌شناختی، اجتماعی-اقتصادی و کانون خانواده را در برمی‌گیرد در نهایت زنان توانمند شده، به یک سرمایه اجتماعی و اهرمی برای جریان‌سازی و نهادسازی مباحث محیط‌زیستی به ویژه حفظ آب تبدیل می‌شوند. این یک سرمایه‌گذاری روی زنان است که مانند رود جاری در نسل‌های آتی جریان خواهد یافت. خروجی‌های مرحله توانمندسازی، اکنون در قالب دو فرآیند مکمل خود را نشان می‌دهند: تغییر رفتار و مشارکت فعال. زنی که احساس عاملیت و اثرگذاری دارد، در عرصه‌های اجتماعی حاضر می‌شود. او در مدیریت منابع محلی مشارکت می‌کند و نقش کلیدی و اثرگذار در تغییر رفتار چند نسلی ایفا می‌کند این تغییر رفتار تنها به مصرف آب فردی محدود نمی‌شود. در این نقطه، اهمیت کلیدی زنان در شکل‌دهی نسل‌های آینده جلوه‌گر می‌شود و مقصد نهایی این فرایند، تثبیت رفتارهای صحیح در سطح خانواده و جامعه است؛ رخدادی که ظرفیت ایجاد تغییرات پایدار فرهنگی در افق بلندمدت را در خود نهفته دارد و مشارکت را از صرف یک عمل ظاهری به یک باور و عادت پایدار تبدیل می‌کند. این فرآیندها در نهایت به دو خروجی کلان، مدیریت پایدار منابع آبی و مصرف مسئولانه در واحد خانوار منجر می‌شوند. این خروجی‌ها نتیجه همان توانمندسازی، مشارکت و تغییر رفتار چندنسلی است و در عین حال، منفعتی گسترده برای جامعه در ابعاد مختلف از جمله کاهش مصرف انرژی، مدیریت پسماند و صرفه‌جویی غذایی به همراه دارد. بر اساس دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد (United Nations، ۲۰۱۵)،

مصرف آب را تجربه می‌کند. این نشان می‌دهد که نقش زنان می‌تواند به عنوان مکمل یا جایگزینی برای ابزارها و فناوری‌های مدیریت آب عمل کند. علاوه بر این قدرت نفوذ آرام زنان در مدیریت مصرف آب، رفتار اعضای خانواده را تغییر می‌دهد، اما بدون الزام یا کنترل مستقیم. این نفوذ تدریجی و خانگی بسیار موثرتر از سیاست‌های دولتی است، زیرا هر روز تکرار می‌شود، مقاومت کمتری ایجاد می‌کند و رفتار اعضای خانواده به تدریج نهادینه و تبدیل به عادت می‌شود.

امروز زنان با مدیریت و صرفه‌جویی در مصرف آب، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفاظت از منابع آب و تنوع زیستی ایفا می‌کنند؛ این اقدامات خرد خانگی نه تنها دسترسی "نسل‌های آینده به منابع آب و تنوع زیستی" (مشارکت‌کننده دوازدهم و بیستم) را تضمین می‌کند، بلکه اثرات بین‌نسلی و ساختاری ایجاد کرده و نقطه آغاز تغییرات گسترده در سبک زندگی و مدیریت پایدار منابع به شمار می‌رود. سرمایه‌گذاری در توانمندسازی زنان در مدیریت مصرف آب، فراتر از صرفه‌جویی فردی، منجر به نهادینه‌شدن ارزش آب در سطح خانوار و جامعه می‌شود؛ این فرآیند، با اثرگذاری بر رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند به یک محرک ساختاری برای مدیریت پایدار منابع در مقیاس کلان تبدیل شود. وقتی دانش حاصل از شناسایی مداخلات تغییر رفتار به برنامه‌ای برای تغییر رفتار مسئولانه تبدیل شود، مقوله مدیریت پایدار منابع آب و مصرف مسئولانه در واحد خانوار تحقق عملی پیدا می‌کند. در همین راستا مشارکت‌کنندگان این طور بیان می‌کنند: "حفظ ارزش آب، مهم‌ترین پیامدی است که حاصل می‌شود" (مصاحبه دوازدهم)، "خروجی این اقدام در درجه اول به مدیریت پایدار مصرف کمک می‌کند که در سطح کلان قابل مشاهده است" (مصاحبه شانزدهم). مشارکت‌کننده شماره دو اشاره می‌کند: "شناسایی به تنهایی کافی نیست؛ اگر دانش از طریق شناسایی به دست آمده است، باید آن را به برنامه‌ای برای تغییر رفتار مسئولانه تبدیل کنیم".

پیامدهای تغییر رفتار زنان می‌تواند فراتر از صرفه‌جویی خانگی باشد و زمینه‌ای برای ایجاد فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموختگان محیط‌زیست فراهم کند تا زنان خانه‌دار را در مدیریت مصرف آب همراهی کنند و صنعت کشور را به تولید محصولات با ارزش و پایدار سوق دهند. کاهش مصرف آب توسط زنان و خانواده‌ها، تقاضا برای فناوری‌ها و محصولات کم‌مصرف را افزایش می‌دهد و این تحول صنعتی نیازمند نیروی متخصص است، بنابراین اشتغال دانش‌آموختگان محیط‌زیست نیز افزایش می‌یابد. مشارکت‌کنندگان دوازدهم و پانزدهم بیان می‌کنند: "اینکه سیستم صنعتی یک کشور نیز به سمت تولید محصولات با ارزش حرکت کند، خود یک پیامد محسوب می‌شود"، "ما تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان محیط‌زیست داریم که اشتغال ندارند؛ با یک ساماندهی از طریق شهرداری می‌توانند اقدام کنند و به زنان خانه‌دار کمک کنند".

بهداشت برای همه)، ۱۱ (شهرها و جوامع پایدار)، ۱۲ (الگوی تولید و مصرف مسئولانه)، ۱۳ (اقدام اقلیمی) و ۱۷ (مشارکت‌های چندذینفعی).



پژوهش حاضر با هدف شناسایی پیامدهای تغییر رفتار زنان از مصرف‌کننده منفعل به کنشگر فعال در مدیریت مصرف آب از دیدگاه متخصصان آب و محیط‌زیست به سه مقوله کلیدی و بنیادین دست یافت: ۱) توانمندسازی زنان برای نقش‌آفرینی در اجتماع در مسیر توسعه پایدار، ۲) تغییر رفتار و مشارکت فعال زنان برای تحقق توسعه پایدار، ۳) مدیریت پایدار منابع آبی و مصرف مسئولانه در واحد خانوار. این مقوله‌ها با استفاده از نظریه داده بنیاد شناسایی، خلاصه و تحلیل شدند و در انتها مدل نظری حاصل شد.

یافته‌های این پژوهش در قالب یک چارچوب نظری تلفیقی قرار گرفته است. همانگونه که در مبانی نظری اشاره شد پنج نظریه مذکور در تعامل با یکدیگر، مسیر تغییر رفتار زنان در مدیریت مصرف آب را از سطح شناخت فردی (رفتار برنامه‌ریزی‌شده و کنش منطقی)، سطح میانی (یادگیری اجتماعی) تا سطح تحول اجتماعی (توانمندسازی و سرمایه اجتماعی) تبیین می‌کنند. بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (Ajzen, ۱۹۹۱)، سازه کنترل رفتاری درک‌شده که متشکل از خودکارآمدی^{۲۱} (باور به قابلیت‌های شخصی) و باور به کنترل بر موانع بیرونی است در تبیین رفتارهای پایدار مصرف آب نقش کلیدی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان این سازه را تقویت می‌کند و احتمال بروز رفتار مطلوب مصرفی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، نقش الگویی زنان در خانواده مطابق نظریه یادگیری اجتماعی (Bandura, ۱۹۷۷)

سبب انتقال مشاهده‌ای الگوهای مصرف و ایجاد هنجارهای جدید در نسل بعد می‌شود. این سازوکار با نظریه کنش منطقی (Fishbein و Aizen، ۱۹۷۵) نیز هم‌جهت است و به درونی‌سازی هنجارهای مصرف و شکل‌گیری چارچوب‌های تصمیم‌گیری پایدار منجر می‌شود. همچنین پیامدهایی همچون رهاشدن از احساس بی‌قدرتی و ناتوانی، تغییرات در نگرش و باور زنان نسبت به قدرت و قابلیت‌های خویش و احساس توانمندی و اثرگذاری اجتماعی، مصادیقی از توانمندسازی روان‌شناختی هستند که در مدل (Zimmerman، ۲۰۰۰) به‌عنوان زیرساخت توانمندسازی در عرصه‌های عملی و اجتماعی شناخته می‌شوند.

تبدیل زنان از مصرف‌کننده منفعل به نیروی محرکه مشارکت و اهرمی برای جریان‌سازی، در واقع تجلی مرحله‌نهایی فرآیند توانمندسازی، یعنی مشارکت در اقدام جمعی است که با نظریه توانمندسازی (Zimmerman و Rappaport، ۱۹۸۸) همسو است. همچنین پیامدهایی همچون ایجاد حس مشارکت در دیگران، تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارتقای جایگاه اجتماعی زنان، تقویت روابط خانوادگی و پدیدارشدن مشارکت اجتماعی در شهر، مصادیق عینی ایجاد و تقویت «سرمایه اجتماعی» محسوب می‌شوند (Putnam، ۲۰۰۰) با توجه به جمله کلیدی یکی از مشارکت‌کنندگان مبنی بر اینکه «زنان به واسطه جایگاه اجتماعی خود، نقش مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند»، به طور مستقیم با نظریه سرمایه اجتماعی همسو است (Coleman، ۱۹۸۸). نظریه سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه کنش‌های فردی زنان می‌تواند به یک حرکت جمعی و نهادینه‌شده تبدیل شود و مطابق دیدگاه Ostrom (۱۹۹۰)، تقویت شبکه‌های اعتماد و همکاری، یکی از پایه‌های اصلی مدیریت مشارکتی منابع است؛ یافته‌ای که در نتایج این پژوهش به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین، تثبیت تغییر الگوی مصرف آب در زندگی زنان و تبدیل آن به یک عادت روزمره، مصداق روشنی از شکل‌گیری رفتار (رفتار برنامه‌ریزی شده و کنش منطقی) است. این فرآیند از طریق یادگیری مشاهده‌ای (یادگیری اجتماعی)، به سایر اعضای خانواده تسری می‌یابد و به توانمندسازی زنان (با افزایش عاملیت و اقتدار خانگی) می‌انجامد. در نهایت، این روند به ایجاد هنجارهای جمعی و مشارکت خانوادگی در مدیریت آب منجر شده و سرمایه اجتماعی درون خانواده را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که توانمندسازی و کنشگری زنان در مدیریت مصرف آب، پیامدهایی نظام‌مند در سه سطح خرد، میانی و کلان دارد. در سطح خرد (خانواده)، کنشگری زنان موجب بهینه‌سازی هزینه خانوار، بهبود کیفیت زندگی و روابط خانوادگی از طریق ایجاد گفت‌وگو و همکاری حول اهداف مشترک، ارتقای جایگاه، خودکارآمدی فردی و احساس

تأثیرگذاری مثبت می‌شود. در سطح میانی (جامعه و صنعت) این تغییرات زمینه‌ساز کاهش فشار بر منابع آبی و زیرساخت‌های تصفیه آب، ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان حوزه محیط‌زیست در قالب مشاوران مدیریت مصرف برای خانوارها، هدایت صنعت به سمت تولید محصولات کم‌مصرف و پایدار در پاسخ به تغییرالگوی تقاضای مصرف‌کنندگان (زنان) و تقویت مشارکت اجتماعی و احیای سرمایه اجتماعی در شهرها می‌شود. در نهایت در سطح کلان، تغییر رفتار زنان به دستیابی به امنیت آبی پایدار و تضمین دسترسی نسل‌های آینده به منابع آب، ایجاد تغییرات فرهنگی ماندگار در الگوی مصرف جامعه و پیشبرد اهداف توسعه پایدار کمک می‌کند. در این پژوهش، نقش کلیدی زنان در خانواده به سطحی کاملاً جدید ارتقا می‌یابد. خانواده دیگر صرفاً یک «مصرف‌کننده» نیست، بلکه به یک واحد تولید فرهنگ و کارگاه کوچک توسعه پایدار تبدیل می‌شود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری در حوزه آب و توسعه از تمرکز بر راه‌حل‌های فیزیکی و سازه محور به سمت رویکردی اجتماعی- فرهنگی مبتنی بر توانمندسازی زنان حرکت کند. فراهم‌سازی بسترهای مشارکت زنان، آموزش هدفمند، تقویت عاملیت و ایجاد شبکه‌های اجتماعی حمایتی می‌تواند نقش زنان را در مدیریت آب تقویت کرده و زمینه دستیابی به توسعه پایدار را فراهم سازد.

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس مدل نظری استخراج‌شده از این پژوهش، که نشان‌دهنده گذار زنان از مصرف‌کننده منفعل به کنشگر فعال در مدیریت مصرف آب است پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- برگزاری کارگاه‌هایی که صرفاً آموزشی نیستند، بلکه آزمایشگاه کنشگری هستند. در این کارگاه‌ها، زنان با انجام پروژه‌های گروهی کوچک (مانند طراحی یک پویش آگاه‌سازی در محله برای صرفه‌جویی در آب)، به صورت عینی قدرت تأثیرگذاری خود را تجربه می‌کنند و باورهای محدودکننده درونی را از بین می‌برند.
- برگزاری کارگاه عملی برای زنان با آموزش و اجرای نمونه روش‌های صرفه‌جویی آب در خانه و محله.
- ایجاد یک نرم افزار کاربردی ۲۲ یا سامانه آنلاین برای ارتباط، اشتراک‌گذاری تجربیات و هماهنگی پروژه‌های محیط‌زیستی میان زنان کنشگر. این بستر ۲۳ احساس انزوا و ناتوانی را از بین برده و با ایجاد یک اجتماع قدرتمند آنلاین، امکان جریان‌سازی و اثرگذاری جمعی آنان را افزایش می‌دهد.
- تشکیل شبکه‌های زنان کنشگر به‌عنوان مصرف‌کنندگان آگاه، برای ایجاد تقاضای مؤثر و متمرکز بر محصولات کم‌مصرف. این تقاضا، صنعت را به‌صورت بازار محور به سمت تولید پایدار هدایت می‌کند و دولت می‌تواند با استانداردها و مشوق‌های مالی از این روند حمایت کند.

- processes, 50(2), 179-211.
[https://doi.org/10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](https://doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T)
- Afzal, A., Jabeen, T., & Javed, M. (2023). Behavior change interventions regarding WASH and its impacts on sustainable community development: A study of district Gujrat, Pakistan. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 33(8), 1160-1177.
<https://doi.org/10.1080/10911359.2022.2131023>
- AlHaddid O, Ahmad A, AbedRabbo M (2024) Unlocking water sustainability: The role of knowledge, attitudes, and practices among women. *J. Clean. Prod*, 476, 1-13.
<https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2024.143697>
- Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory*. Prentice-Hall. Englewood Cliffs, USA.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, 94, S95-S120.
- Corbin, J. M., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative sociology*, 13(1), 3-21.
<https://doi.org/10.1007/BF00988593>
- Eminel Sülün, E. (2018). Women, water resource management, and sustainable development: The Turkey-North Cyprus water pipeline project. *Resources*, 7(3), 50.
<https://doi.org/10.3390/resources7030050>
- Fishbein, M., & Ajzen, I. (1975). *Belief, Attitude, Intention, and Behavior: An Introduction to Theory and Research*. Addison-Wesley. Reading, USA.
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. University of California Press. Berkeley, USA.
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Aldine Transaction. A Division of Transaction Publishers. New Brunswick, USA and London, UK. Retrieved from http://www.sxf.uevora.pt/wp-content/uploads/2013/03/Glaser_1967.pdf
- Haddout, S., Cardoso, L., Hogueane, A. M., Priya, K. L., C. Casila, J. C., Kurniawan, T. A., & Ljubenkova, I. (2024). Women's empowerment in water management across Africa. *Development in Practice*, 34(6), 810-823.
<https://doi.org/10.1080/09614524.2024.2338211>
- Jones, R., & Noble, G. (2007). Grounded theory and management research: a lack of integrity?

این مقاله منتج از رساله دکتری با عنوان طراحی و اعتباریابی مدل بومی مداخلات تغییر رفتار پایدار در مدیریت مصرف آب (مورد مطالعه: زنان شهر کرج) است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، اعم از اساتید محترم دانشگاه و متخصصان ارجمند، که ما را در اجرای این مطالعه یاری رساندند، قدردانی نمایند.

منابع

- امیری باغبادرانی، فاطمه. (۱۴۰۱). میزان آگاهی زنان از مفاهیم مدیریت منابع آب و نگرش و عملکرد ایشان برای اصلاح الگوی مصرف آب (زنان ۲۰ تا ۶۵ ساله زرین شهر لنجان). *نشریه مطالعات علوم محیط زیست*، ۷(۲)، ۵۰۶۴-۵۰۷۲.
<https://doi.org/10.22034/jess.2022.335821.1757>
- چمنی، مستانه، آذری، هاجر. (۱۴۰۲). بررسی جایگاه زنان در مدیریت منابع آب (رویکرد تطبیقی به اسناد توسعه پایدار سازمان ملل). *نشریه مدیریت آب و آبیاری*، ۱۳(۳)، ۶۶۵-۶۹۱.
<https://doi.org/10.22059/jwim.2023.354950.1048>
- حاجی‌زاده میمنندی، مسعود، افراسیابی، حسین، و بهارلویی، مریم. (۱۳۹۷). مطالعه کیفی مصرف آب در نگاه زنان شهر اصفهان. *زن در توسعه سیاست*، ۱۶(۲)، ۲۷۱-۲۹۳.
<https://doi.org/10.22059/jwdp.2018.245358.1007305>
- حاجی‌زاده میمنندی، مسعود، و بهارلویی، مریم. (۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با مصرف آب (مطالعه موردی: زنان شهر اصفهان). *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۱(۲)، ۵۵-۸۵.
<https://doi.org/10.30465/SCS.2020.5537>
- مرزبان، آمنه، فرجی، رضا، فانی، نگار، یوشنی، نوشین، و خالقی موری، مهدیه. (۱۴۰۲). بررسی میزان آگاهی از پیامدهای مصرف آب در زنان شهر یزد در سال ۱۴۰۰. *مجله دانشگاه علوم پزشکی جیرفت*، ۱۰(۳)، ۱۳۴۰-۱۳۴۷.
<https://doi.org/10.25382810.1402.10.3.5.2>
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶-۱۳۶۸). *قانون برنامه‌های اول تا ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. تهران، ایران.
- نیکخواه، هدایت‌الله، ظهیری‌نیا، مصطفی، و اعلم کمالی، سیده مهدیه. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در مدیریت مصرف آب در شهرستان میناب، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۳)، ۱۲۱-۱۴۲.
<https://doi.org/10.22108/JAS.2020.113678.1530>
- Ajzen, I. (1991). *The theory of planned behavior*. Organizational behavior and human decision

- Agriculture Organization of the United Nations (FAO). Rome, Italy.
- World Water Council. (2000). Ministerial Declaration of The Hague on Water Security in the 21st Century. 2nd World Water Forum. Retrieved July 27, 2018. http://www.worldwatercouncil.org/sites/default/files/World_Water_Forum_02/The_Hague_Declaration.pdf
- Williamson, K., Bujold, P. M., & Thulin, E. (2020). Behavior change interventions in practice: a synthesis of criteria, approaches, case studies & indicators. Rare Center for Behavior & the Environment and the Scientific and Technical Advisory Panel to the Global Environment Facility, p 93.
- Zimmerman, M. A. (2000). Empowerment theory: Psychological, organizational and community levels of analysis. In Handbook of community psychology (pp. 43-63). Springer, Boston, MA. https://doi.org/10.1007/978-1-4615-4193-6_2
- Zimmerman, M. A., & Rappaport, J. (1988). Citizen participation, perceived control, and psychological empowerment. American Journal of community psychology, 16(5), 725-750. <https://doi.org/10.1007/BF00930023>
- Qualitative research in organizations and management: an international journal, 2(2), 84-103. <https://doi.org/10.1108/17465640710778502>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Naturalistic inquiry. Sage Publications. Thousand Oaks, USA. <https://doi.org/10.1177/144078338702300329>
- Mishra, B. K., Kumar, P., Saraswat, C., Chakraborty, S., & Gautam, A. (2021). Water security in a changing environment: Concept, challenges and solutions. Water, 13(4), 490. <https://doi.org/10.3390/w13040490>
- Ostrom, E. (1990). Governing the commons: The evolution of institutions for collective action. Cambridge university press. Cambridge, UK.
- Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon and Schuster. New York, USA.
- Ray, I. (2007). Women, water, and development. Annual Review of Environment and Resources, 32, 421-449. <https://doi.org/10.1146/annurev.energy.32.041806.143704>
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory (2nd ed.). Sage Publications. Thousand Oaks, USA.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research (Vol. 15). Sage Publications. Newbury Park, USA.
- United Nations. (2015). Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development (A/RES/70/1). United Nations. New York, USA. <https://sdgs.un.org/2030agenda>
- Nazarialamdarloo, T., Ali Jamali, H., Nazari, B., Emamjomeh, M. M., & Karyab, H. (2020). A system dynamics approach for water resources management with focusing on domestic water demand. Environmental Health Engineering and Management Journal, 7(4), 229-235. <https://doi.org/10.34172/EHEM.2020.27>
- Ulya, A. U. (2019). Moslem women's participation in sustainable household clean water management: The case of Sekaran District. Sustinere: Journal of Environment and Sustainability, 3(3), 186-198. <https://doi.org/10.22515/sustinere.jes.v3i3.89>
- UN-Water. (2007). Coping with water scarcity: Challenge of the twenty-first century. Food and

پی‌نوشت‌ها

- 1- Behavior Change Interventions
- 2- Grounded Theory
- 3- Theory of Planned Behavior (TPB)
- 4- Theory of Reasoned Action (TRA)
- 5- Social Learning Theory
- 6- Empowerment Theory
- 7- Social Capital Theory
- 8- Perceived Behavioral Control
- 9- Strauss and Corbin Approach
- 10- Theoretical Sampling
- 11- Theoretical Saturation
- 12- Purposive Sampling
- 13- Snowball Sampling
- 14- Open Coding
- 15- Axial Coding
- 16- Selective Coding
- ۱۷- نرم‌افزار MAXQDA یک ابزار قدرتمند برای تحلیل داده‌های کیفی و آمیخته (کیفی-کمی) است که به پژوهشگران کمک می‌کند از داده‌های متنی (مانند مصاحبه‌ها) الگو، مفهوم و نظریه استخراج کنند.
- 18- Trustworthiness and Credibility
- 19- Concept
- 20- Subcategory
- 21- Self-Efficacy
- 22- application program
- 23- Platform